



میزگرد

توار بالقوه صنعت بیمه و بازار سرمایه

سود عملیاتی شرکت‌های بیمه در بسیاری موارد چندان قابل توجه نیست و این شرکت‌ها چشم به سود سرمایه‌گذاری منابع خود دارند که در قالب حق بیمه‌های کوتاه مدت از بیمه‌گذاران دریافت می‌کنند. از سوی دیگر توسعه و بالندگی بازار پول و سرمایه نیازمند حمایت بیمه‌گران و برخورداری از پوشش‌های حمایتی مناسب است. از این روشیوه‌های تعامل این دو نهاد مالی را با حضور صاحب‌نظران حوزه‌های مالی و بیمه به بحث و تبادل نظر گذاشتیم.

● معصوم ضمیری

● تحصیلات: فوق لیسانس حسابداری و علوم مالی

● سوابق اجرایی: مدیر عامل شرکت سهامی بیمه آسیا از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷، رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل بیمه آسیا از سال ۱۳۶۸ تا کنون

● پیشینه علمی: تدوین کتاب‌های اصول حسابداری ۳، حسابداری شرکت‌ها و تدوین مقاله‌های تخصصی متعدد.



معصوم ضمیری

● دکتر بهمن آرمان

● تحصیلات: دکترای اقتصاد

● سوابق اجرایی: کارشناس ارشد مدیر در فولاد مبارکه، رئیس پیشین اداره مطالعات و بررسی‌های بورس اوراق بهادار تهران، مشاور

دانشگاه‌های مختلف در رساله‌های کارشناسی ارشد و مدیر و بنیان‌گذار دفتر خدمات اقتصادی مالی کوشش.

● پیشینه علمی: مولف و مترجم کتاب مدیریت به زبان ساده، مترجم کتاب قانون کار ایتالیا، تدوین بیش از ۱۰ مقاله علمی برای آرایه

در سمینارهای گوناگون در ایران و خارج از کشور



دکتر بهمن آرمان

● محمد آرام بنیار

● تحصیلات: فوق لیسانس مدیریت ملی از دانشگاه امام صادق (ع)

● سوابق اجرایی: عضو هیات مدیره شرکت بورس اوراق بهادار، مدیر عامل شرکت لیزینگ ایران و شرق، مدیر توسعه و برنامه‌های

راهبردی شرکت سرمایه‌گذاری تدبیر، عضو انجمن اقتصادی اسلام و توسعه اقتصادی، عضو هیات مدیره انجمن شرکت‌های لیزینگ ایران

● پیشینه علمی: کتاب بانکداری سرمایه‌گذاری مفاهیم و مطالعات موردی، مقاله همایش سومین سمینار مدیریت مالی کشور (نقش

توسعه بازار سرمایه در توسعه اقتصادی کشور)، مقاله «امکان ایجاد بازار نفت خام در آینده براساس فقه اسلامی در ایران» در ژورنال

بین‌المللی خدمات مالی اسلامی



محمد آرام

● محمود امراللهی

● تحصیلات: کارشناس بیمه

● سوابق اجرایی: مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری صنعت بیمه



محمود امراللهی

می‌بینیم. شرکت‌های دیگر سرمایه‌گذاری هم که در تشکیل آنها نقش داشتیم هم به همین روز افتادند.

میزان دخالت بیمه در بازار سرمایه ما در حال حاضر حدود ۱۸ درصد است. این سهم در گذشته حدود ۴ درصد بوده و رشد آن قابل توجه است. البته در بورس‌های دنیا سهم بیمه در بازار سرمایه بسیار بالاتر است.

در واقع بورس محل تجهیز منابع برای بنگاه‌های اقتصادی است نه اینکه تنها در آن خرید و فروش شود. در سال ۲۰۰۰ در دنیا ۱۵/۸ تریلیون دلار فقط اوراق قرضه منتشر شد که جدا از سهام جدیدی بود که شرکت‌ها منتشر می‌کنند.

آسیا: جناب آقای آرام لطفاً در خصوص بازار سرمایه و اجزای آن، خصوصیات بازار سرمایه در ایران و جایگاه آن در ایران و نیز عوامل موثر در تنش‌های بازار سرمایه توضیحاتی بفرمائید.



آرام: اگر بخواهیم بازار سرمایه را تحلیل کنیم و جایگاه آن را بشناسیم باید گفت در نظام مالی که در واقع بخشی از نظام اقتصادی کشور است پنج رکن وجود دارد: بازارهای مالی، ابزار مالی، نهاد مالی، قوانین مالی و نهاد ناظر بر این نهادها مالی. قبلاً در فعالیتهایی که در بازار سرمایه ایران صورت می‌گرفت نهاد ناظر مستقل نداشتیم. طبق قانون اوراق بهادار جدید سازمان بورس به عنوان نهاد ناظر تعیین شده است که این سازمان متولی نظارت بر فعالیت بازار سرمایه و متولی تدوین قوانین و آیین‌نامه‌های مورد نیاز بازار سرمایه است. فعالیت بسیار گسترده‌ای در سال گذشته انجام شده و در بحث قوانین و مقررات و به خصوص آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی پیشرفت‌هایی داشته‌ایم و نمونه‌های آن به زودی به اجرا در می‌آید. یک نکته قابل ذکر دیگر اینکه آیا بازار سرمایه نقشی در اقتصاد دارد یا خیر؟ یعنی آیا نظام مالی که به بازار سرمایه و بازار پول تقسیم می‌شود نقشی در نظام اقتصادی دارد یا خیر؟ اخیراً مطالعه‌ای در مرکز مالی وارتون

ضمیری: وظیفه دارم از میهمانان گرامی آقای دکتر آرمان، آقای آرام و آقای امرالهی که دعوت فصلنامه بیمه آسیا را پذیرفته و در میزگرد بیمه و بازار سرمایه شرکت نموده‌اند صمیمانه تشکر کنم. امیدوارم بحث امروز ما ضمن بررسی و تحلیل مسائل و موانع موجود بین همکاری بازار بیمه و بازار سرمایه بتواند راهکارهای مناسبی نیز برای توسعه این همکاری ارائه نماید. بازار بیمه نمی‌تواند با بازار سرمایه بیگانه باشد و آن را نادیده بگیرد. شرکت‌های بیمه توان مدیریت سرمایه‌گذاری را به طور انفرادی ندارند و یکی از اهداف تأسیس شرکت سرمایه‌گذاری صنعت بیمه این است که این شرکت بتواند پل ورود شرکت‌های بیمه به بازار سرمایه باشد. اما این شرکت هم با مشکلاتی از نظر استفاده از منابع شرکت‌های بیمه مواجه شد و اکنون شرکت‌های بیمه جدا از شرکت سرمایه‌گذاری صنعت بیمه در بازار فعال شده‌اند. در واقع شرکت‌های بیمه هم به عنوان سهامدار عمده شرکت سرمایه‌گذاری صنعت بیمه و هم به صورت انفرادی در بازار فعالیت دارند که این فعالیت، فعالیت آگاهانه و با تسلط کامل بر اصول و رفتارهای بازار سرمایه نیست. شرکت‌های بیمه گاهی عجولانه در بازار اقداماتی انجام می‌دهند که بعد متوجه می‌شوند خیلی موفق نبوده‌اند و به همین دلیل از بازار زده می‌شوند و کنار می‌کشند. ضمن اینکه صنعت بیمه کشور ما اگر بخواهد در بازار سرمایه نقش مؤثرتر و فعالی ایفا نماید باید به سمت بیمه‌های بلندمدت مثل بیمه‌های عمر برود که آن خود مقوله‌ای است که در حال حاضر به عنوان توسعه بازار در دستور کار شرکت‌های بیمه قرار دارد.

آسیا: با توجه به این مقدمه بفرمائید شرکت‌های بیمه در قبال بازار سرمایه چه وظایفی دارند؟ بازار سرمایه مورد انتظار شرکت‌های بیمه باید چه خصوصیتی داشته باشد تا مورد استقبال شرکت‌های بیمه قرار گیرد؟

دکتر آرمان: زمانی که من خدمت آقای دکتر همتی، رئیس وقت بیمه مرکزی، رسیدم قرار شد یک شرکت سرمایه‌گذاری برای بیمه درست کنیم اصلاً هدف این نبود که این شرکت سرمایه‌گذاری را محدود به داد و ستد سهام در بورس اوراق بهادار کند. بلکه هدف چیز دیگری بود. عمده‌تاً فکر می‌کردیم که این شرکت باید در بازار اولیه فعال شود و نقش ظرفیت‌سازی را ایفا کند. در ثانی معتقد بودیم که شرکت‌های بیمه بتوانند منابع مالی ارزان قیمت برای مدتی در اختیار این شرکت قرار بدهند ولی از آنجایی که این شرکت سرمایه‌گذاری عام بود و سهامدارن فشار می‌آوردند و سود می‌خواستند شرکت به ناچار به این سمت غلتیده شد که الان



■ آرام:
در نظام مالی که در واقع بخشی از نظام اقتصادی کشور است پنج رکن وجود دارد: بازارهای مالی، ابزار مالی، نهاد مالی و قوانین مالی و نهاد ناظر بر این نهادهای مالی

زیرمجموعه دانشگاه پنسیلوانیا درباره رابطه بین توسعه اقتصادی و توسعه مالی و در واقع نقش نظام مالی در نظام اقتصادی انجام شد. در این خصوص نظریه‌های مختلفی وجود دارد. بعضی معتقدند توسعه اقتصادی خود منجر به توسعه مالی می‌شود. برخی در مقابل معتقدند ابتدا نظام مالی باید توسعه پیدا کند تا بعد نظام اقتصادی توسعه یابد. بعضی هم معتقدند که اینها رابطه تعاملی دارند. نتیجه تحقیق مذکور این بود که در اقتصادهای نوظهور توسعه نظام‌های مالی مقدم بر توسعه اقتصادی بوده است. و یا به تعبیر دیگر عامل شتاب‌دهنده نظام اقتصادی بوده است. مرحله دوم این است که در کشور مابه عنوان یک اقتصاد نوظهور بگوییم که نظام مالی می‌تواند شتاب‌دهنده نظام اقتصادی باشد. در این مورد اینگونه می‌توان استدلال کرد که نظام مالی که خود دارای ارکان ابزار، بازار، نهاد، نهاد ناظر و قوانین است را چگونه باید توسعه دهیم. باز هم باید دقت شود اولویت در ایجاد کدام یک است و حول کدام یک باید تمرکز کرد. نتایج تحقیقات وارثون نشان می‌دهد که توسعه نهادهای مالی در اقتصادهای نوظهور می‌تواند باعث توسعه مالی شود. بنابراین به طور کلی می‌توان گفت اگر برنامه‌ها حول توسعه نهادهای مالی شکل بگیرد می‌تواند منجر به توسعه مالی شود و توسعه مالی سبب توسعه اقتصادی گردد. اما اینکه در بحث نهادهای مالی چه باید بکنیم و چه طبقه بندی‌هایی می‌توان در نهادهای مالی داشت، باید بدانیم در بین نهادهای مالی اساس را در واقع در کجا می‌توانیم قرار بدهیم. اساس نهادهای مالی در ایران بانک‌های تجاری هستند. در بسیاری از کشورهای دیگر مثل انگلیس این اساس شاید بانک‌های تجاری نباشد بخاطر اینکه بانک دیگری دارند به نام بانک‌های سرمایه‌گذاری که ما در ایران آنها را شرکت‌های تأمین سرمایه می‌نامیم. شاید خیلی وقت‌ها شنیده باشیم که اقتصاد ما براساس بانک است یا براساس بازار سرمایه. این درست نیست چون بازار سرمایه نمی‌تواند اساس باشد، اگر اساس بازار سرمایه باشد طبقه بندی بهم می‌ریزد چون بازار سرمایه یک نهاد مالی نیست.

در بسیاری از نظام‌های مالی در دنیا بانک تجاری یا بانک سرمایه‌گذاری می‌تواند اساس باشد. البته تقریباً از سال ۱۹۹۵ به بعد موضوع ادغام خدمات مالی در قالب یک شخصیت حقوقی جدی شده است. در این حالت بانک‌های سرمایه‌گذاری مینا و اساس نظام مالی می‌شوند. به طور مثال برای عرضه ۱۰۰ میلیارد دلار سهام اصل ۴۴ باید مجموعه‌ای از ملزومات را فراهم کنیم. یکی از بهترین و ساده‌ترین روش‌ها وجود تعدادی بانک سرمایه‌گذاری است که تعادل خرید پذیره‌نویسی و فعالیت

حرفه‌ای، قیمت‌گذاری و بازاریابی و غیره را انجام دهند. ما در ایران نظام مالی منسجم و توسعه یافته نداریم. بسیار ابتدایی هستیم. ابزارهایی که در اینجا مبادله می‌شود ابزارهای بسیار کمی است. از ۵۰ نوع اوراق مشارکت فقط یک نوع اوراق مشارکت استفاده می‌شود. بیش از ۲۰۰۰ ابزار مالی هم اکنون در جهان وجود دارد که عمده آن‌ها را هم بانک‌های تجاری و رهنی استفاده می‌کنند. چنین چیزی را ما در حال حاضر در ایران نداریم. فقط یک تعداد وام‌های ۱۸ میلیون تومانی است که مردم خودشان خرید و فروش می‌کنند و کسی برای آن ساختار تعریف نکرده است. از حیث نهادهای مالی ما نهادهای مالی تخصصی همچون بانک‌های سرمایه‌ای، شرکت‌های مشاوره‌ای و شرکت‌های ارزیاب نداریم. در بحث بیمه هم همین طور است. شرکت‌های بیمه عمر که تخصصی روی بیمه عمر فعالیت می‌کنند ایجاد نشده‌اند. بحث خدمات بیمه نیز جزو صنعت خدمات مالی است یعنی در طبقه بندی خدمات مالی یکی هم بحث بیمه‌های تجاری است. خدمات مالی شامل خدمات سهام، خدمات پولی، خدمات بازار سهام و خدمات بیمه می‌شود. نکته جالب این است که ارزش بازار بانک‌های تجاری در آمریکا در سال ۲۰۰۵ حدود ۸۰۰ میلیارد دلار بوده است که به نسبت GDP جهان که حدود ۳۸۰۰۰ میلیارد دلار است، حدود ۲۰ یا ۳۰ درصد می‌شود. جالب این است که فقط ارزش بازار شرکت‌های بیمه عمر در آمریکا ۶۰۰۰ میلیارد دلار است. حال آنکه ارزش بازار مجموع شرکت‌های بیمه در ایران بعید است که به بیش از ۲۰۰۰ میلیارد تومان برسد. فرض کنیم مثلاً مجموع تولید داخلی (GDP) کشور ما ۲۰۰/۰۰۰ میلیارد تومان باشد سهم بیمه‌ها تقریباً چیزی حدود ۱ درصد می‌شود. در حالی که این سهم در آمریکا نزدیک ۳۰ درصد است. ترکیب پورتفوی بیمه‌های ما خودرو، مسکن و ... است که همین الگو در شرکت‌های بیمه آمریکا هم وجود دارد. آن چیزی که بیمه‌ها در ایران به آن نپرداخته‌اند بعضی از انواع بیمه‌ها به خصوص بیمه‌های مالی و سرمایه‌گذاری و به ویژه بیمه‌های عمر و زندگی است. ما اصلاً به حجم عظیم بیمه‌های اعتباری و عمر، که کتاب‌ها و مقالات بسیاری درباره آن و با عنوان بیمه‌های سرمایه‌گذاری و عمر نوشته شده است، توجه نکرده‌ایم. تنها مجموعه‌ای از کارهایی که مربوط به ۲۰ یا ۳۰ سال گذشته بوده است را اجرا کرده‌ایم. بحث‌های مالی در دنیا به چه سمتی حرکت می‌کند؟ حجم کل مبادلات کالا در دنیا در حدود ۹۰۰۰ میلیارد دلار در سال است. این رقم یعنی گردش مالی کالاهایی است که بین کشورها مبادله می‌شود. حجم معاملات بازارهای مالی، یعنی بازارهای نفت، بازارهای ارز، بازارهای فلزات غیر آهنی، فلزات گرانبها، سهام و غیره، در روز

بر این که اصلاً نباید ترکیب پورتنفوی صرفاً در چند صنعت غالب و خاص باشد حتی اگر تمام مطالعات بنیادی نشان دهد که این کار کاملاً همراه با رشد خواهد بود. علت این است که در اقتصاد الگوی حرکت هر صنعتی حتماً به صورت موج سینوسی خواهد بود. حالا این روال رشد امکان دارد مثلاً یک، دو یا سه سال طول بکشد و یا فقط یک سال باشد. ولی حتی اگر طولانی هم باشد قطعاً زمانی نزول خواهد کرد. آن وقت شرکتی که پورتنفوی آن اینگونه باشد سه سال یک سود خیلی عالی خواهد داشت ولی سال چهارم سودش یک پنجم می شود. این نکته با تمام نظریه های هموارسازی سود تناقض دارد. چون شرکت باید یک روند رشد متعادل داشته باشد. البته امکان دارد یک زمانی



بگویم آنقدر بازارها و مجموعه ها سیال هستند که ما می توانیم آن را چرخش دهیم. ارزش بازار سهام ایران حدود ۴۲ هزار میلیارد تومان است در حالی که حجم معاملات در طی یک سال حدود ۶ تا ۸ هزار میلیارد تومان می باشد.

یعنی نسبت حجم معاملات به ارزش بازار کمتر از ۲۰ درصد است لذا اگر فرض را بر این بگذاریم که شرکت های بسیار بزرگ هم بخواهند در طول یکی دو سال پورتنفوی خود را به طور کامل بچرخانند امکان پذیر نیست. به همین دلیل شرکت ها باید یک بخش ثابت پورتنفوی داشته باشند که بلندمدت تر و با یک طبقه بندی و درصدهای مشخص باشد و یک قسمت پورتنفوی تجاری داشته باشند که آن قسمت پورتنفوی تجاری گردش داشته باشد که البته استاندارد آن در دنیا ۲۰ تا ۳۰ درصد است. امروزه نگاه غالب به شرکت های بیمه این است که حضور آنها در بازار سرمایه جهت مدیریت نقدینگی است. شرکت های بیمه نقدینگی حاصل از عملیات بیمه ای را می توانند چند بار سرمایه گذاری کنند.

نزدیک به ۶۰۰۰ میلیارد دلار است. یعنی ارزش معاملات یک روز و نیم بازارهای مالی معادل گردش مالی بازارهای کالا در طول یک سال است.

دکتر آرمان: یک تریلیون دلار آن، یعنی حدود یک ششم آن مربوط به بورس نیویورک است.

محمد آرام: بله، امروزه روندی شکل گرفته است که به تدریج خدمات و بازارها با یکدیگر ادغام می شود. مثلاً بورس نیویورک بورس یورونکس را خریداری کرده یا بورس نایمکس که بزرگترین بورس نفت دنیا است IPE را که بورس لندن است خریداری کرده و تبدیل به بورس ICE شده که بورس بین قاره ای است. در حال حاضر بحثی که در دنیا مطرح است بحث ادغام سازی است.

یعنی همه چیز با هم ادغام شود. سال ۱۹۹۲ بحرانی در بورس آمریکا اتفاق افتاد وقتی ریشه یابی کردند، گفتند که علت آن است که بازار سرمایه و بازار پول با هم ادغام شده اند. در آن موقع گفتند بانک سرمایه گذاری فقط در بازار سرمایه و بانک تجاری هم فقط در بازار پول فعالیت کنند و حق ادغام ندارند و قانونی با عنوان دیوار چین مطرح کردند. اما در حال حاضر هیچ گونه محدودیتی در ارائه خدمات مالی وجود ندارد و نظریه های نوین و پست مدرن پورتنفولیو به متنوع بودن خدمات تأکید دارند. مثلاً مجموعه ای به نام سیتی گروپ وجود دارد که تقریباً به یک سوپرمارکت مالی تبدیل شده است. یعنی هرگونه خدمات مالی اعم از خدمات بیمه ای، خدمات بازار سرمایه، خدمات بازار پول، همه را تحت عنوان یک شرکت سرمایه گذاری، انجام می دهد. این مدلی که سیتی گروپ راه اندازی کرده است Financial Holding Bank نام دارد که یک مدل شرکت سرمایه گذاری در دنیا است. این مدل در ایران قابل اجراست چون در ایران مرجع نظارتی در بازار سرمایه سازمان بورس است. پس اگر ما یک بانک سرمایه گذاری داشته باشیم نظارت آن با سازمان بورس است. مرجع نظارتی بانک های تجاری در حال حاضر بانک مرکزی است، مرجع نظارتی بیمه ها هم بیمه مرکزی است. ولی صرفاً نمی توان گفت که اگر یک مجموعه شرکت سرمایه گذاری ایجاد شد چون زیرمجموعه بازار سرمایه است وارد خدمات مالی دیگر نشود.

مطالعه ای در این خصوص انجام شد که آیا حضور در صنایع و خدمات می تواند موفقیت آمیز باشد یا تنها در یک صنعت و خدمت خاص چنین است؟ به نظر من الان در دنیا ثابت شده حتی اگر صنعتی ایده آل باشد، نباید صرفاً روی آن متمرکز شد. مثلاً زمانی سیمان این گونه بود و در حال حاضر صنایع معدنی این طور است. جالب است که در دنیا نظریه های مختلفی از جمله نظریه آقای مارکوفینر در بحث تئوری پست مدرن پورتنفوی وجود دارد مبنی



■ دکتر آرمان:

طبق آمار وزارت صنایع بخش خصوصی چندان وارد طرح‌های سنگین نشده است و این بخش بیشتر در طرح‌های زیر ۵۰ میلیون دلار وارد شده‌اند و هم‌اکنون نیازمند منابع مالی هستند که این کار را باید بازار سرمایه انجام دهد

ولی به دلیل اینکه سرمایه‌ها ناپایدار است و جریان ورودی و خروجی بسیاری دارد یک مقدار فعال تراست و باعث می‌شود خرید و فروش بیشتری انجام شود. به همین دلیل استراتژی شرکت‌های بیمه تبدیل به استراتژی کوتاه مدت شده است. در این حالت کمتر می‌توان به ارزش افزوده، نگاه‌های بلندمدت، حرکت‌هایی که می‌تواند در بلندمدت ارزش افزوده اقتصادی را مورد توجه قرار داد. این موضوع باز هم انشعابات دارد. آن قسمتی از پورتنفوی شرکت‌های بیمه که مدیریت سیال نام دارد پورتنفوی تجاری شرکت‌های بیمه را ایجاد می‌کند و پورتنفوی ثابت آنها فعالیت‌های مربوط به توسعه شرکت‌های بیمه است. در این بخش از بیمه‌نامه‌های مالی و سرمایه‌گذاری به دلیل بلندمدت بودن آنها مثل بیمه‌های عمر و زندگی البته در تمام کشورهای توسعه یافته راهکار توسعه شرکت‌های بیمه از طریق بیمه‌های عمر و زندگی است و به دلایل مطرح شده، این شرکت‌های بیمه جزء بزرگترین شرکت‌های فعال بورس با استراتژی بلندمدت می‌باشند.

○ آسیا: به نظر جنابعالی در حال حاضر استراتژی دیگری هم می‌توان در پیش گرفت؟

● آرام: در شرایط کنونی. فقط همین استراتژی قابل پیگیری است. بیمه‌ها زمانی می‌توانند استراتژی را به بحث‌های اقتصادی و بلندمدت تبدیل کنند که بیمه‌نامه‌های دیگری داشته باشند. وقتی که عمده بیمه‌نامه‌ها یک ساله است منطقی است که همین جریان باشد. در غیر این صورت کمی غیر اجرایی و غیرمنطقی می‌شود. با این شرایط کار دیگری نمی‌توان کرد.

○ آسیا: جناب دکتر آرمان تحلیل جنابعالی از بازار سرمایه موجود در کشور چیست؟ به نظر شما این بازار باید برای گسترش فعالیت خود چه اقداماتی را مد نظر قرار دهد؟

● دکتر آرمان: مجموع ارزش بازار سرمایه ما الان با آمدن نمادین فولاد مبارکه، فولاد خوزستان و مس حدود ۳۷۰۰۰ یا ۳۸۰۰۰ میلیارد تومان است. من این ورود نامادین می‌نامم زیرا ورود آنها واقعی نیست. در حالی که ارزش سهام تنهایی از شرکت‌ها (شرکت Sabic) در بورس عربستان سعودی ۷۰ میلیارد دلار است.

به گفته آقای ثقفی، معاون توسعه و فناوری وزارت صنایع، هم‌اکنون ۴/۵ میلیارد دلار ماشین‌آلات از محل حساب ذخیره ارزی وارد کشور شده و بانک‌ها هم توان پرداخت منابع ریالی آنها را ندارند و طبق آماري که در وزارت صنایع تهیه شده بخش خصوصی چندان وارد طرح‌های سنگین نشده است. شرکت‌های بخش

عمومی مثل سازمان تامین اجتماعی، صندوق بازنشستگی و این‌گونه نهادها وارد طرح‌های بزرگ مثلاً بیش از ۱۰۰ میلیون دلار شده‌اند. بخش خصوصی در طرح‌های زیر ۵۰ میلیون دلار وارد حد ۲۵ میلیون دلار وارد شده است و هم‌اکنون نیازمند منابع مالی ریالی هستند ولی کسی نمی‌تواند در اختیار آنها قرار دهد. این کار را باید بازار سرمایه انجام دهد ولی بورس اوراق بهادار مانمی‌تواند این خدمات را ارائه کند. در حالی که در خارج از ایران این کار را بورس انجام می‌دهد.

می‌دانید که از دهه ۱۹۸۰ بعد از اینکه خانم مارگارت تاچر نخست وزیر انگلستان شدند سیستم اقتصادی جهان که پایه بانکی بود به سمت پایه اوراق بهادار حرکت کرد یعنی تامین منابع مالی به جای اینکه از طریق بانک باشد از طریق اوراق بهادار انجام شد. به همین دلیل است که آقای دکتر آرام می‌گویند حجم معاملات تا این حد در بازار سرمایه گسترده است. ولی بورس ما نمی‌تواند این کار بکند. مثلاً اگر کسی بگوید که می‌خواهد یک کارخانه سیمان یا یک کارخانه قند راه‌اندازی کند و ماشین‌آلات آن را خریداری کرده است و بورس ۲۰۰ میلیارد ریال به او بدهد تا اینها را نصب و شروع به تولید کند، در حال حاضر بورس نمی‌تواند این کار را انجام دهد. بنابراین اگر بورس بتواند این سرویس را ارائه کند آیا بهتر نیست که چهارچوب اجرایی آن را تعریف و سپس در قالب یک طرح جدید آن را اعلام کند.

○ آسیا: با توجه به مواردی که آقای آرام و نیز آقای دکتر آرمان به آن اشاره کردند به نظر جنابعالی بازار سرمایه و شرکت‌های بیمه چه خدمات متقابلی را می‌توانند ارائه دهند؟

● ضمیری: شرکت‌های بیمه می‌توانند ابزارهای بسیار متنوعی تعریف کنند تا رابطه بین تسهیلات گیرنده و تسهیلات‌دهنده را آسان نمایند. یعنی رابطه بین نیازمند منابع مالی و تامین‌کنندگان منابع مالی را با ابزار بیمه‌ای سهل و آسان نمایند. فرض کنیم شرکتی طبق قانون تجارت ما شرکت سهامی عام است و اجازه دارد اوراق مشارکت صادر کند و از مردم مستقیماً منابع بگیرد که معمولاً هم ارزان‌تر از سایر منابع پولی است. حال اگر اطلاعات کاملی در اختیار شرکت بیمه قرار دهد شرکت بیمه می‌تواند این اوراق مشارکت را البته با برخی محدودیت‌ها و مطالعات خاص و بررسی توان مالی، بیمه کند. بر مصرف منابع نظارت کند و در تضمین‌هایی که می‌دهد دقت کند. این کار به نظر من به راحتی قابل انجام است. من می‌خواهم در یک جمله عرض کنم که شرکت‌های بیمه در بسیاری امور واسطه بین بازار سرمایه و مردم هستند. اصلاً بیمه عمر نمونه بارز نقش واسطه‌گری شرکت‌های بیمه در بازار

● آرام: بازار سرمایه ما نواقص زیادی دارد ولی بد نیست توان بالقوه آن را هم بدانیم. قانون اوراق بهادار آمریکا مصوب سال ۱۹۳۳ کلاً در مورد نهادهای مالی صحبت کرده است. شاید در رابطه با کارگزاران بیش از ۹۰ صفحه قانون وجود داشته باشد. نکته قابل توجه آن است که با همین قانون اوراق بهادار کنونی که بسیار مختصر است، نقطه عطفی در بازار سرمایه می تواند روی بدهد. نقطه قوت و عطف آن این است که فرصت هایی را ایجاد می کند. البته در صورتی که در توسعه نظام مالی فرض ما بر توسعه نهادی باشد. اگر استراتژی بیمه آسیامبتنی بر توسعه نهادی باشد می تواند راه ها را بررسی کند. ما قبلاً در بازار سرمایه در بعضی بخش ها متولی معینی نداشتیم. قبلاً متولی بانک سرمایه گذاری ظاهر بانک مرکزی بود ولی حدود ۲۰ سال هیچ مجوزی در این مورد صادر نکرد. البته در حال حاضر ۲ مجوز صادر شده و برای



سرمایه است. یعنی افرادی که در امور مالی تخصص ندارند و با یک نوسان قیمت ها در بازار سرمایه و سود کنار می کشند به صورت انفرادی وارد بازار بورس نشوند. این افراد با خرید بیمه عمر یک مجموعه ای را تشکیل می دهند تا شرکت بیمه به صورت یک جا و به نیابت از خریداران بیمه عمر وارد بازار سرمایه شود. بورس ما باید دنبال تشویق این زنجیره های واسط باشد. اگر این زنجیره ها به وجود بیایند بورس رونق می گیرد. افراد عادی اطلاعات ندارند و از افراد یا جریان بازار دنباله روی می کنند وقتی می بینند مثلاً امروز آقای دکتر آرمان سهمی را می خرند آنها هم می خرند ولی نمی دانند که ایشان کی می فروشند و این عدم اطلاع گاهی زیان عمده ای متوجه آنان می کند. اما اگر ارتباط مردم با بازار سرمایه وکالتی باشد چه از طریق شرکت های سرمایه گذاری یا شرکت های بیمه، که در تمام دنیا هم این طور است، بورس رونق می گیرد.

در تمام دنیا رشد و گسترش بورس ها این چنین بوده و به میان مردم رفته است. مردم در قدم اول آگاهی لازم را ندارند و با بالا و پایین شدن قیمت سهام گرفتار می شوند. مثلاً شخصی ۱۰ میلیون تومان پاداش بازنشستگی خود را گرفته است و سهام شرکتی را خریداری کرده ولی امروز این سهام به یک میلیون تومان رسیده است. این فرد صد سال دیگر هم از نزدیکی بورس عبور نخواهد کرد. اما اگر ایشان می آمد همان را بیمه عمر خریداری می کرد شرکت بیمه ممکن بود همان سهام را هم بخرد اما فقط آن را نمی خرید، بلکه آن سهام را در یک مجموعه می خرید و منافع آن هم به خوبی به دست می آمد. بازار سرمایه باید بیمه ها را به عنوان یک مهره واسط بین خود و مردم تلقی کنند و بیمه ها هم در این ارتباط می توانند نقش مؤثری داشته باشند و به خوبی این ارتباط را برقرار کنند. منابع مازاد مالی در جامعه ما فراوان است اما کسی نیست این ارتباط را به طور منطقی با بازار سرمایه ایجاد کند. ما باید به دنبال حل این مشکل باشیم. یکی از موسساتی که به خوبی می تواند سبد سهام را اداره کند شرکت های بیمه هستند. شرکت های بیمه می توانند سبد سهام درست کنند و به مردم اوراق ثانوی بدهند و آنها را در این سبد شریک کنند. و خود مدیر باشند و از طرف آنها اداره کنند. راه موفقیت ما در بازار سرمایه اینها هستند تا بتوانیم به نتایجی برسیم.

بقیه متقاضیان نیز مجوز صادر خواهد شد. درباره بعضی از نهادهای دیگر مثل صندوق های سرمایه گذاری که سرمایه آنها قابلیت افزایش یا کاهش دارد هم باید عرض کنم عملاً سرمایه شرکت های سرمایه گذاری در ایران بسته است و طبق قانون تجارت اگر بخواهند افزایش سرمایه دهند باید مراحلی را طی کنند. در دنیا عمدتاً حجم عظیم سرمایه گذاری در شرکت های سرمایه گذاری در داخل صندوق های سرمایه گذاری انجام می شود. چیزی حدود ۶۰ تا ۷۰ نوع صندوق سرمایه گذاری وجود دارد مثلاً در بازار پول بازار سرمایه و امثال اینها. اکنون متولی صندوق های سرمایه گذاری و مسئول مجوز دادن و قابلیت انتشار آن سازمان بورس است. در نتیجه این فرصت ایجاد خواهد شد. طبق آخرین اطلاعات، اساسنامه ای کاملاً مفصل که به نظر می رسد حرفه ای است و قابلیت اجرای بالایی را دارد در سازمان بورس تدوین شده است. اساسنامه شرکت های تامین سرمایه تدوین شده آئین نامه اجرایی و چارچوب نظارتی آن نیز آماده شده است. البته آن هم باز بایستی خیلی دقیق تر و مفصل تر شود. زیرا در رابطه با بحث

● آسیا: جناب آقای آرام با توجه به اینکه شما عضو هیات مدیره بورس هستید، موانع حضور جدی شرکت های بیمه در بازار سرمایه را چه می بینید؟



■ **ضمیری:**
مجموعه بازار
سرمایه، بازار
پول و بیمه‌ها
سیاست‌گذاری و
تنظیم امور
واحدی را می‌طلبید
که در آن جایگاه
هر کدام به خوبی
تعریف شود. در
غیر این صورت
توفیق کامل
بدست نخواهد آمد

بانک‌های سرمایه‌گذاری حداقل باید ۲۰۰ صفحه قانون داشته باشیم. ما در حال حرکت به این سمت هستیم. صندوق‌های سرمایه‌گذاری به زودی در شورای بورس تصویب خواهد شد و قابلیت اجرایی پیدا خواهد کرد.

اولین سبد سهام توسط بانک کارآفرین عرضه شد. شاید نواقصی داشته باشد، اما تا به حال این کار انجام نشده بود که در آینده قطعاً رفع خواهد شد.

بیمه‌آسیا که به زودی یک شرکت خصوصی و بورسی خواهد شد می‌تواند در بحث ابزارسازی و نهادسازی مشارکت کند. البته ابزارسازی باید از طریق نهاد باشد. این اشتباه است که بگوییم شرکت بیمه‌آسیا مدیر صندوق سرمایه بشود. من دلایلی می‌آورم که هیچ وقت بیمه‌آسیا نمی‌تواند مدیر صندوق سرمایه بشود.

چون در زمینه بیمه و فعالیت بیمه‌ای تخصص دارد، می‌تواند ابزارهایی را از این طریق ایجاد کند یا یک شرکت تخصصی ایجاد کند و مدیرانی را بگذارد ولی خود شرکت بیمه و هیئت مدیره شرکت بیمه آسیا باید به چیزهای کلان‌تری نگاه کند که یکی از محصولات آن می‌تواند صندوق سرمایه‌گذاری باشد. در نتیجه هر مجموعه‌ای می‌تواند صندوق‌های سرمایه‌گذاری ایجاد کند.

به نظر من بیمه‌آسیا می‌تواند متولی باشد و این را به ابزار بیمه عمر متصل کند. همه نگران هستیم آیا بیمه عمری می‌تواند ایجاد شود که نرخ بازدهی ۲۰ درصد داشته باشد. به نظر من اگر شما بیمه عمر ۲۰ ساله یا ۳۰ ساله ارائه بدهید به راحتی می‌توانید این نرخ را تضمین کنید. حال اگر افراد بخواهند بیمه عمر خود را بفروشند چه باید کرد. این قابلیت هم در بورس در حال ایجاد شدن است. یعنی بیمه‌های عمر قابلیت خرید و فروش پیدا می‌کنند. برخی مشکلات مثل بحث مالیات هم در حال حل است. اگر این امکان ایجاد شود بیمه‌آسیا می‌تواند جمع‌آوری وجوه از طریق بیمه‌های عمر و سرمایه‌گذاری در بورس از طریق این صندوق‌ها را با هم مرتبط کند.

در دنیا ارتباط بین بازار سرمایه و بیمه‌ها عمدتاً از طریق صندوق‌های سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد ولی مکانیزم‌های آن متفاوت است. مثلاً در کانادا صندوق‌های منفک‌های وجود دارند که حداقل بازدهی را تضمین می‌کنند.

جالب است که صنعت خدمات مالی آنقدر بزرگ است که صنایع مختلف زیرمجموعه آن قرار می‌گیرد. مثلاً گردش مالی صنعت تضمین سرمایه‌گذاری در دنیا ۲۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۶ بوده است.

حال اگر در ایران در حد ۲ میلیارد دلار بخواهد انجام بشود راهکارهای مختلفی دارد. یکی این که بعضی‌ها می‌گویند می‌خواهیم یک بازده حداقل داشته باشیم. این صندوق‌ها در

کانادا با توجه به وجود نرخ‌های متفاوت تا ۸ درصد ۱۰ ساله تضمین می‌کنند. در ۱۰ سال هم خیلی اتفاق‌ها می‌تواند رخ بدهد که این بازدهی را ایجاد کند. اگر مدیر سرمایه و گروه سرمایه‌گذاری خیلی قوی داشته باشید این کار عملی است. یعنی در دنیا متولی بسیاری از ابزارهای مالی خود شرکت‌های بیمه بوده‌اند. همان طور که آقای دکتر آرمون فرمودند از همان ۵۰۰۰ دلار، ۴۵۰۰ دلار مربوط به بیمه عمر است که من اسم آن را بیمه‌های مالی و سرمایه‌گذاری می‌گذارم و ۵۰۰ دلار مربوط به کالاها است. همان طور که بنده عرض کردم در دنیا سالانه ۹۰۰۰ میلیارد دلار کالا مبادله می‌شود در حالی که حجم معامله فقط در بخش مالی در دنیا روزانه به ۶۰۰۰ میلیارد می‌رسد و بنا به فرمایش آقای دکتر آرمون ۱۰۰۰ میلیارد دلار آن فقط متعلق به بورس‌های آمریکا است. شاید یک جهت‌گیری مناسب برای بیمه‌آسیا این باشد که یک شرکت تخصصی با عنوان شرکت بیمه‌های مالی و عمر، مالی و سرمایه‌گذاری و امثال اینها ایجاد کند. گروهی باید به این مسئله فکر کنند که چه بیمه‌های مالی، سرمایه‌گذاری و ضمانتی را می‌توان ایجاد کرد. بعد کمک کنند آیین‌نامه‌ها و قوانین آن در جاهای مختلف مثلاً در شورای عالی بورس و امثال آن به تصویب برسد. در این صورت پورتفوی بلندمدت یا ثابت بیمه‌ها می‌تواند در اینجا قرار گیرد.

در این صورت نقش عمده و قدرت عظیم شرکت‌های بیمه در بازار سرمایه مشخص می‌شود. همه مامی‌گوییم بازار سرمایه پتانسیل ندارد ولی باید توجه داشته باشیم که بازار سرمایه جایی است که فقط باید تجارت را مدیریت کند هیچ کار دیگری نباید بکند. آن‌هایی که می‌توانند ابزارسازی کنند فعالان یا نهاد‌های مالی و یا بیمه‌ها هستند. اگر قرار باشد بیمه‌ها منتظر شوند تا قانون‌گذار مثلاً نهاد بانک سرمایه‌گذاری را ایجاد کند ۳ سال طول می‌کشد. اگر منتظر شویم تا قانون‌گذار صندوق‌های مرتبط با بیمه‌های عمر را تشکیل دهد طول می‌کشد. بهتر است بیمه‌ها پیشنهاد بدهند. مجموعه بورس تخصص بیمه‌ای ندارد، تخصص بانک سرمایه‌گذاری را که صرفاً بورس ندارد. گروه‌های مختلف باید طرح و پیشنهاد بدهند به نظر من اگر بیمه‌آسیا چنین فکری و چنین استراتژی بلندمدتی و توسعه‌نهادی را ایجاد کند، در آینده منجر به ایجاد ارزش افزوده قابل توجهی برای بیمه‌آسیا می‌شود و به نظر می‌آید رویکرد مناسبی باشد.

● **ضمیری:** ما می‌توانیم با استفاده از تجربه کشورهای دیگر و افزودن شرایط و خصوصیات بومی به آن راهکارهای لازم را بدست آوریم. اگر می‌گوییم در آمریکا از هر ۵۰۰۰ دلار حق بیمه ۴۵۰۰ دلار آن مربوط به بیمه عمر است، به این دلیل است که آنها دریافته‌اند

و فقط به این نکته بسنده کنند که وظیفه‌شان صدور بیمه عمر در طرح‌های مختلف است موفق خواهند بود. بهترین بیمه‌نامه‌هایی که مثلاً در آمریکا، کانادا و کره جنوبی فروخته می‌شود، همین الان از طریق اینترنت در دسترس همه هست. بنابراین به نظر من جای شرکت‌های تخصصی بیمه عمر در صنعت بیمه ما خالی است و اگر به آن توجه شود می‌تواند خیلی به این صنعت کمک کند.

● آسیا: جناب آقای امراللهی لطفاً جایگاه شرکت‌های بیمه در بازار سرمایه و نقش شرکت سرمایه‌گذاری صنعت بیمه در این خصوص را تشریح بفرمائید.

● امراللهی: به عنوان مقدمه برخی آمار و ارقام در مورد وضعیت



شرکت‌های بیمه در بازار بورس و واقعیت‌هایی که شرکت‌های بیمه با آن مواجه هستند را بیان می‌کنم. شرکت‌های بیمه دولتی شامل بیمه‌های ایران، آسیا، البرز، دانا و بیمه مرکزی ایران به اضافه شرکت سرمایه‌گذاری صنعت بیمه مجموعاً حدود ۱/۶ درصد ارزش روز بازار بورس را به خود اختصاص داده‌اند. با اینکه این درصد پایین است ولی حضورشان از لحاظ میزان معاملات در بازار بسیار قابل توجه بوده و الان آنها را از فعال‌ترین عناصر بازار می‌دانند. در حال حاضر اقتصاد ما بانک محور است و اگرچه شرکت‌های بیمه از فعال‌ترین سرمایه‌گذاران در بورس هستند ولی متأسفانه در بخش تصمیم‌گیری‌های کلان بازار حضور و نقشی ندارند و تقاضای من از آقای آرام به عنوان عضو هیئت مدیره شرکت سهامی بورس این است که سعی شود نقش شرکت‌های بیمه نیز در نظر گرفته شود، چون شرکت‌های بیمه در بازار سرمایه فعال هستند اما هیچ‌جا تصمیم‌گیرنده نمی‌باشند.

شرکت بیمه عمر نمی‌تواند با شرکت بیمه عمومی یکی باشد. به همین دلیل فعالیت بیمه عمر را از دیگر بیمه‌ها جدا کرده‌اند.

نباید شرکت بیمه در کنار بیمه‌های آتش‌سوزی و اتومبیل خود، بیمه عمر ارائه کند و منابع بیمه‌های عمر خود را متصل به ریسک سایر رشته‌های بیمه نماید. این کار اصلاً درست نیست. اتفاقاً در شرکت‌های بیمه عمر تخصصی، افراد متخصص سرمایه‌گذاری که کارشان فقط مدیریت سرمایه‌گذاری است، حضور دارند و اداره منابع مربوط به بیمه‌گذاران به عهده آنان است. در قانون فعلی بیمه مرکزی ایران این امر دیده نشده است. شرکت‌ها هم مجوز بیمه‌های غیرعمر دارند و هم بیمه‌های عمر. اصلاً بزرگترین خطا در سیاست‌گذاری شرکت‌های بیمه این است که منابع بلند مدت مردم را به اتفاقات دارای ریسک متصل کنیم که اگر یک کارخانه‌ای آتش گرفت و اتفاقاً شرکت بیمه هم پیش‌بینی‌های لازم را نکرده بود، منابع بیمه عمر صرف پرداخت خسارت به آن کارخانه شود. بنابراین در شرکت‌های بیمه هم اشکال فراوان است. نه اینکه بگوییم این سمت همه چیز درست است و بازار سرمایه جوابگو نیست. خود شرکت‌های بیمه هم مشکلات دارند و مثلاً در بخش‌های سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی متخصص به تعداد کافی ندارند. چتر دولت به عنوان یک سایه به آنها اجازه عمل وسیع نمی‌دهد. اینها همه وجود دارد ولی به هر حال من اگر بخواهم خلاصه کنم، معتقدم که مجموعه بازار سرمایه، بازار پول و بیمه‌ها، سیاست‌گذاری و تنظیم امور واحدی را می‌طلبد که در آن با سیاست‌گذاری واحد نقش و جایگاه هر کدام به خوبی تعریف شود. اگر بهترین قانون بازار سرمایه را هم داشته باشیم ولی قوانین بیمه‌ای مناسب و درست نباشد توفیق کامل بدست نخواهد آمد. اگر قوانین بازار پول متناسب با آن اصلاح نشود و نتواند حمایت لازم را ارائه کند باز هم موفقیت کامل حاصل نمی‌شود. به عبارت ساده‌تر بازار سرمایه، بازار پول و صنعت بیمه سرنوشت به هم پیوسته دارند و در تعامل منطقی با یکدیگر است که توفیق لازم را به دست می‌آورند.

آقای دکتر آرمان اشاره کردند که در یکی از طرح‌های شرکت سرمایه‌گذاری و بیمه را به صورت توأم در نظر گرفته‌اند. من به عنوان یک توصیه حرفه‌ای عرض می‌کنم آن بیمه حتماً بیمه عمر باشد نه بیمه اموال. بیمه اموال تولیدکننده منابع نیست. در کشور ما هنوز تاسیس شرکت‌های بیمه عمر اختصاصی به طور جدی مورد توجه قرار نگرفته است. کسی این راه را نرفته است. هر گروه یا مؤسسه‌ای تجهیز منابع را با تأسیس شرکت بیمه عمر به عنوان پیشرو انتخاب نماید قطعاً موفق خواهد شد. شرکت‌های بیمه عمر اگر به درستی و مطالعه شده در جامعه ما تاسیس شوند



■ امراللهی:

ریسک نوسان نرخ تورم در ایران یکی از دلایل عمده بازدارنده در زمینه سرمایه گذاری در بیمه عمر است. با این حال وقتی محل امن با بازده مناسب برای سرمایه گذاری وجود داشته باشد می توان این ریسک را پوشش داد

شرکت های بیمه بازگانی از سال ۱۳۷۹ در بازار سرمایه فعال شدند و قبل از آن حضور چندانی نداشتند. سال ۱۳۸۲ بازده بازار ۱۲۵ درصد و بازده سرمایه گذاری های بعضی از شرکت های بیمه در حدود ۱۴۰ تا ۱۵۰ درصد بود. در عین حال با توجه به بازده بالا در سال های گذشته و رکود پس از آن و افت شاخص ها، اگرچه الان بازار رویکرد مثبتی به خود گرفته باز هم این ترس وجود دارد منابعی را که شرکت های بیمه هم اکنون در سپرده های بانکی و اوراق مشارکت دارند بخواهند به این بازار پرتلاطم وارد کنند. در هر صورت شرکت های بیمه خیلی مشتاق هستند که حضورشان در بازار بیشتر شده و منابع بیشتری را طبق ضوابط و مقررات خاص خود از سپرده های بانکی خارج و متوجه بازار سرمایه کنند در صورتی که دولت افق روشنی در خصوص بعضی از حوزه های اقتصادی ترسیم کند تا بتوان حداقل برای دو تا سه سال آینده برنامه ریزی مناسبی انجام داد. الان صنعت سیمان و صنعت پتروشیمی در حالت بلا تکلیفی به سر می برند به خصوص سیمان که سه سال است افزایش نرخ نداشته و قرار بوده از سبد کالا های حمایتی خارج و نرخ آن آزاد شود که تا کنون این مهم صورت نگرفته است. در تکمیل صحبت های دکتر آرمان باید گفت که شرکت های بیمه می توانند از بابت تعریف و طراحی بعضی از ابزار های مالی مثل تبدیل به اوراق بهادار کردن ریسک های بیمه ای فعال شوند که در بازار مورد معامله قرار بگیرند. این یکی از کارهایی است که هم شرکت های بیمه و هم شرکت سرمایه گذاری صنعت بیمه، که زیر مجموعه شرکت های بیمه است، می توانند انجام دهند. هم اکنون سرمایه ثبت شده شرکت سرمایه گذاری صنعت بیمه ۷۵ میلیارد تومان است و از یک سال قبل مراحل تبدیل آن از یک شرکت سرمایه گذاری به یک شرکت هلدینگ شروع شده و پی گیر امور مربوط به هلدینگ شدن آن هستیم. در حال حاضر علاوه بر یک شرکت سرمایه گذاری که در بورس سهام خرید و فروش می کند، یک شرکت سرمایه گذاری ساختمان، یک شرکت پیمانکاری ساختمان و یک شرکت بازگانی به عنوان زیر مجموعه های شرکت سرمایه گذاری صنعت بیمه تعریف شده که در حال حاضر مراحل فعال شدن آنها در دست پی گیری است.

یکی از مشکلاتی که در حال حاضر با آن مواجه هستیم اندک بودن سرمایه ۷۵ میلیارد تومانی شرکت است که شرکت های بیمه به دلیل محدودیت آئین نامه سرمایه گذاری خود این امکان را ندارند که بیش از این مقدار در شرکت سرمایه گذاری صنعت بیمه افزایش سرمایه دهند. از این رو با تعریف و فعال سازی شرکت های زیر مجموعه، بستر را آماده می کنیم تا بتوانیم به طریقی منابع شرکت های بیمه را جذب

و در محل های مناسب سرمایه گذاری کنیم.

پورتفوی بورسی شرکت قبلاً ۵۵ تا ۶۰ درصد سیمان بوده است و این میزان در حال حاضر به ۱۸ درصد رسیده است که با بهینه سازی که در پورتفوی صورت گرفته در حال حاضر سنگ آهن معدنی ها، سیمانی ها و پتروشیمی را داریم و به عبارتی ریسک نوسانات و حرکت های سینوسی اقتصاد در صنایع مختلفی که در پورتفوی شرکت وجود دارد به نوعی کنترل شده است. برای غیر بورسی ها هم زمینه های دیگری را تدارک دیده ایم که ان شاء... با افزایش سرمایه ای که در شرکت های زیر مجموعه صورت خواهد گرفت منابع شرکت های بیمه از محل سپرده گذاری هایشان جذب خواهد شد.

یکی از مشکلات در رابطه با بیمه های عمر عدم تفکیک حساب های بیمه های عمر از غیر عمر است. ضروری است که شرکت های بیمه عمر جداگانه ای تأسیس شده تا در این حوزه بتوانند به صورت تخصصی فعالیت کنند.

در حال حاضر شرکت های بیمه ایرانی همه عمومی هستند و هیچ کدام صرفاً در بیمه عمر فعال نمی باشند، در صورتی که اگر برنامه ریزی و فعالیت خوبی روی بیمه عمر صورت بگیرد با استقبال خوبی از سوی مردم مواجه خواهیم شد. شرکت از ۱۰ شرکت برتر دنیا، شرکت های بیمه های عمر ژاپنی هستند و این خیلی قابل توجه است. البته ما ریسک نوسان نرخ تورم را در ایران داریم، که یکی از دلایل عمده بازدارنده در زمینه سرمایه گذاری در بیمه عمر است. با این حال وقتی محل امن با بازده مناسب برای سرمایه گذاری وجود داشته باشد می توان این ریسک را پوشش داد. اگر محل های مطمئنی را بتوان برای سرمایه گذاری تعریف کرد می توان نرخ بالاتری را به بیمه گذار پیشنهاد داد و بیمه گذار می تواند با اطمینان بیشتری خرید کند. او می تواند بیمه عمر بخرد که هم از بابت فوت پوشش داشته باشد و هم از محل سرمایه گذاری آن بازدهی مناسبی نصیبش شود.

مشکل اساسی که ما در حال حاضر در کشورمان به خصوص در مورد شرکت های بیمه داریم بحث آموزش است. در حال حاضر محدودیت های به روز رسانی دانش متخصصین در سطح کشور را داریم. اگر بتوانیم آموزش را توسعه دهیم و افرادی را به خارج بفرستیم، افراد متعددی که آنجا تخصص های لازم را به دست آورده و برگردند، بسیار راه گشا خواهند بود. این تجربه در ۲۰ یا ۳۰ سال قبل نیز اتفاق افتاده، گروهی را به خارج از کشور فرستادند و همان افراد در حال حاضر مطرح هستند. یعنی کسانی که در صنعت بیمه کشور مطرح هستند کسانی هستند که رفتند و در آن زمان

به ۱۰۰۰ میلیارد دلار برسد. کشور چین از سه بورس شانگهای، شنژن و هنگ کنگ تشکیل شده که فقط ارزش بازار بورس شانگهای در حال حاضر در حدود ۱۰۰۰ میلیارد دلار می‌باشد. امیدواریم که بازساخت‌هایی که تعریف می‌شود بازار ما هم گسترده و عمیق‌تر شود.

دکتر آرمان: در مورد استفاده از کارشناسان خارجی کاملاً درست گفتید. این عیب و عاری ندارد که ما بگوییم کارشناس خارجی آوردیم. لازم نیست دوباره چرخ را از نو خودمان طراحی کنیم. می‌توان گروهی را به خارج از ایران فرستاد یا از یک مشاور خارجی یا ایرانی برای آموزش دعوت کرد. می‌توان از تجربه ترکیه و مالزی استفاده کرد. بورس کشور مالزی با بورس ایران به لحاظ حجم معاملات و سرمایه بازار آن قابل مقایسه نیست ولی می‌توان از ابزارهای آن الگوبرداری کرد.



چیزی که ما شدیداً به آن احتیاج داریم و می‌تواند بیشترین ارزش افزوده را برای ما ایجاد کند و بسیاری از مشکلات کشور را حل کند، نقش و سهم بیمه‌ها در بازار اولیه است. بازار اولیه برای ما بسیار مهم است.

ضمیمه: مجدداً از حضور حاضرین در میزگرد تشکر و قدردانی می‌نمایم. امیدوارم مطالب ارائه شده از سوی شرکت‌کنندگان در میزگرد بتواند شروع خوبی برای بحث بسیار مهم ارتباط بازار سرمایه، بازار پول و صنعت بیمه باشد و در آینده شاهد توجه به آن در ابعاد مختلف از سوی صاحبان نظران، استادان و متخصصین هر سه بخش باشیم.

آسیا: از حضور مدعوین محترم، که با رایحه نقطه نظرات کارشناسانه و فنی خود در زمینه بیمه و بازار سرمایه نکات پیدا و پنهان بسیاری را مطرح کردند، تقدیر و تشکر می‌کنیم و امیدواریم این نکات مورد توجه تمامی دست‌اندرکاران صنعت بیمه به ویژه مسئولین اجرایی و صاحبان نظران این صنعت قرار گیرد.

متخصص شدند و برگشتند.

خواهش بنده از مدیران صنعت بیمه کشور این است که تلاش شود حتماً افرادی را اعزام کنند تا آموزش ببینند و اگر محدودیت اعزام داریم از استادان دعوت شود بیایند اینجا و دانش کارشناسان ما را به روز کنند. به خصوص الآن که با وجود فناوری پیشرفته و کامپیوتر همه چیز به سرعت در حال تغییر است.

اصطلاحات، تکنیک‌ها، ابزارها و دانش بیمه‌ای به سرعت در حال تغییر است، بایستی خود را با تغییرات دنیا منطبق کنیم. نگرانی که وجود دارد این است که اگر سرعت توسعه کشور ما با سرعت به دست آوردن آن ابزارها و دانش هماهنگ نشود، ممکن است راهی را که باید برویم به بیراهه منتهی شود. اگر به آموزش توجه کافی شود آن نگرانی‌ها هم مرتفع خواهد شد.

بحث تفکیک حساب‌های بیمه عمر و غیرعمر را عرض کردم که در حال حاضر حتی در استانداردهای حسابداری تفکیک حساب‌های عمر از غیرعمر لازم دانسته شده است. ولی در حال حاضر این کارشدنی نیست. حساب‌های شعبه‌ای را که کارمندان هم بیمه عمر صادر می‌کند و هم غیرعمر، چطور می‌توانیم تفکیک کنیم. در خصوص با دارایی‌ها و پرسنل چگونه حساب‌های شرکت‌های بیمه را که انواع بیمه‌نامه‌ها را صادر می‌کنند تفکیک قائل شویم. حتماً بایستی که شرکت بیمه عمر جداگانه تأسیس شود تا این مسئله بتواند محقق شود. مطلب دیگری که لازم است توجه شود

این است که وقتی اطمینان شرکت‌های بیمه به بازار سرمایه جلب می‌شود که بسترسازی صورت گیرد. در حال حاضر افق‌های مثبتی را شاهد هستیم که به خصوص ظرف دو ماه گذشته از سوی سیاست‌گذاران بورس صورت گرفته است و از طرفی بحث قوانین و مقررات جدید نیز در حال تدوین است و کار جامعی در حال شکل‌گیری است. اگر چارچوب‌ها مشخص باشد و اطمینان داشته باشیم که همه چیز تحت کنترل است در آن چارچوب‌ها و ضوابط می‌توان فعالیت بهتری داشت و طبیعتاً منابع بیشتری جذب بازار خواهد شد.

اتفاق جالب دیگری که در مورد شرکت‌های بیمه در حال وقوع است ورود آنها به بورس ظرف ماه‌های آینده می‌باشد. نحوه ارزیابی شرکت‌های بیمه طبیعتاً از شیوه ارزیابی شرکت‌های صنعتی متفاوت خواهد بود و دانش خاص خود را می‌طلبد. در هر صورت با توجه به تعمیق بازار و ساز و کارهایی که سازمان بورس و دولتمردان در حال تدارک آن هستند، امیدواریم که این بازار ۴۰ میلیارد دلاری